

# اصول و شاخصه‌های مصرف صحیح و کارآمد

جواد ابروانی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

## چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۳

تغییر و تحول پیوسته در نوع کالاهای مصرفی و دگرگونی شرایط و گونه‌گون بودن فرهنگ‌ها، شرایط جغرافیایی و ویژگی‌های فردی، امکان ارائه مصادیق خاص مصرفی برای همه افراد را ناممکن می‌سازد بنابراین، آنچه ممکن، مفید و مطلوب می‌باشد، ارائه اصول و چارچوبی کلی است که رعایت آن‌ها، مصرف صحیح و کارآمد را موجب گردد. آنچه در پی می‌آید، اصول و شاخصه‌های مصرف صحیح و کارآمد برگرفته از آموزه‌های دینی است که با تحلیل نسبتاً جامع آیات و روایات مربوط و جمع گزاره‌های ناسازگارنا به طور فشرده ارائه گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، حدیث، اقتصاد اسلامی، الگوی مصرف.

## اشاره

آدمی برای آن که زنده، سالم و کارآمد بوده به کمالات اخلاقی و معنوی نیز دست یابد، نیازمند مصرف صحیح و ضابطه‌مند کالاها است. آنچه در پی می‌آید، اصول و شاخصه‌های مصرف صحیح و کارآمد برگرفته از آموزه‌های دینی است.

## ۱. اصل نیاز

نیاز یکی از عوامل مهم و مؤثر در تخصیص درآمد است. تعریف نیاز و شناسایی مصادیق آن، با در نظر گرفتن هدف نهایی انسان، شدنی است. هدف نهایی انسان در جهان بینی اسلامی، دستیابی

به مقام قرب الهی از راه عبودیت است<sup>۱</sup> و بی‌گمان، تأمین معاش و امکانات مادی برای پیمودن این مسیر ضرورت دارد. از سوی دیگر، بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان نیازهای روحی و معنوی نیز دارد که باید بخشی از درآمد و ثروت خود را برای رفع آن‌ها ویژه سازد.

### ادله و شواهد

دلایل و مؤیدات ذیل، معیار بودن نیاز را در چند و چون مصرف اثبات می‌نماید:

۱. روشن است که بدون تأمین نیازهای مادی، امکان زندگی توأم با سلامتی و کارآمدی وجود نخواهد داشت، و در نتیجه، فرد از رسیدن به کمالات معنوی و ایفای وظایف خود باز می‌ماند و هدف آفرینش او، که همان معرفت، عبادت<sup>۲</sup> و علم<sup>۳</sup> و در نتیجه قرب به حق است<sup>۴</sup>، تحقق نخواهد یافت. پیامبر گرامی خدا ﷺ فرمود:

- 
۱. بنگرید به: ذاریات (۵۱/۵۶)؛ مؤمنون (۲۳/۱۱۵)؛ نجم (۵۳/۴۲)؛ قیامت (۷۵/۲۲) و فجر (۲۳/۲۳)؛ (۸۹/۲۷-۳۰).
  ۲. بنگرید به: ذاریات (۵۱/۵۶).
  ۳. بنگرید به: طلاق (۶۵/۱۲).
  ۴. بنگرید به: مؤمنون (۲۳/۱۱۵)؛ نجم (۵۳/۴۲)؛ قیامت (۷۵/۲۲)؛ فجر (۲۳/۲۳)؛ (۸۹/۲۷-۳۰).

«پروردگارا، برای ما در نان برکت ده، و میان ما و آن جدایی می‌فکن؛ چرا که بی‌نان، توان روزه گرفتن، نماز خواندن و انجام فرایض پروردگار متعال خود را نداریم.»<sup>۵</sup>

۲. در روایات مربوط به لزوم و مقدار نفقه همسر، با عبارتهایی گوناگون، به اصل نیاز اشاره شده است؛ از جمله: «برای او [همسرش] به مقداری که نیازهای او را تأمین کند، همراه با پوشاک، هزینه نماید.»<sup>۶</sup> «او را از برهنگی ببوشاند و از گرسنگی سیر نماید.»<sup>۷</sup>

۳. در بحث ویژگی‌های فقیری که استحقاق دریافت زکات را دارد، امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا مرا و می‌داری به او دستور دهم خانه‌اش را، که عزت او و محل سکونتش است، بفروشند! ... یا به او دستور دهم غلام و شترانش را که وسیله کسب درآمدش می‌باشد بفروشند؟! [خیر]، بلکه زکات دریافت کند.»<sup>۸</sup> نیز فرمود: «پس اگر محصول کشاورزی برای غذا و پوشاک و

- 
۵. بنگرید به: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۰۷.
  ۶. همان، ج ۵، ص ۵۱۲؛ محمد بن علی بن بابویه صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۴۴۱.
  ۷. *الکافی*، ج ۳، ص ۵۶۲.
  ۸. همان.

نیازمندی‌های خود و خانواده‌اش - بدون  
زیاده‌روی و اسراف - کافی نیست، دریافت  
زکات برای او حلال است.<sup>۱</sup>

### سطح مطلوب تأمین نیازها

اقتصاددانان مسلمان، دسته‌بندی‌های  
گوناگونی از نیازهای مادی انسان ارائه  
نموده‌اند.<sup>۲</sup> لیک با توجه به آیات و روایات،  
آنچه در سطح مطلوب تأمین نیازها،  
بایستی در نظر گرفته شود عبارت‌اند از:

۱. اکتفا به حد ضرورت و حداقل در  
تأمین نیازها، - جز در مواردی خاص<sup>۳</sup> -  
مطلوبیت ندارد، بلکه گاه مجاز نیز نمی‌باشد.
۲. در طرف حداکثر، نباید به اسراف و  
اتراف بینجامد.
۳. سطح مطلوب برای عموم مردم،  
حدی است که رفاه و آسایش زندگی را در  
حد متعارف و معمول تأمین نماید.

۱. بنگرید به: شیخ مفید، المقنعه، ص ۲۶۳؛ الکافی،  
ج ۳، ص ۵۶۱.  
۲. بنگرید به: رضا حسینی، الگوی تخصیص درآمد و  
نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان، ص ۲۴.  
۳. همچون سطح زندگی حاکمان و نیز فقر اختیاری  
در شرایط بحران اقتصادی و مانند آن، که پس از  
این خواهد آمد.

۴. در تأمین نیازها، عزت و شرافت  
شخص نیز باید محفوظ ماند؛ یعنی مسئله  
شان به مفهوم درست خود.

۵. نیازهای معنوی نیز در کنار نیازهای  
مادی باید مد نظر قرار گیرد.

۶. در کنار نیازهای واقعی، نیازهای  
کاذبی نیز وجود دارد که در الگوی مصرف،  
نباید مورد توجه قرار گیرند.  
اکنون دلایل و شواهد موارد یادشده را  
بنگرید:

### مطلوب نبودن اکتفا به حداقل

درباره نکته نخست، می‌توان به چند  
دسته از آیات و روایات استناد کرد:

۱. آیاتی که نعمت‌های متعدد را  
برشمرده و بر بهره‌گیری از آنها و تأمین  
رفاه نسبی تأکید کرده‌اند.<sup>۴</sup>
۲. مناظره امام صادق علیه السلام با گروهی از  
صوفیه که می‌پنداشتند مصرف، بایستی در  
حد ضرورت باشد<sup>۵</sup>، و نیز مناظره ابن عباس  
با خوارج، که از سوی علی علیه السلام نزد آنان  
فرستاده شده بود.<sup>۶</sup>

۴. برای نمونه بنگرید به: نحل (۱۵)/۵-۸.  
۵. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۶۵-۷۰. نیز بنگرید  
به: همان، ج ۶، ص ۴۴۲.  
۶. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۴۴۱ و ۴۴۲.

۳. روایاتی که بر مطلوبیت گشایش در زندگی<sup>۱</sup>، مرغوبیت کالاهای مصرفی و لباس زیبا<sup>۲</sup>، لذیذ بودن غذاها<sup>۳</sup>، وسیع بودن منزل مسکونی و راهوار بودن مرکب<sup>۴</sup> تأکید کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۴. روایاتی که بر لزوم تأمین فقیر تا حد رسیدن به سطح معیشتی مناسب و توأم با رفاه نسبی تأکید می‌کنند.<sup>۶</sup>

### نرسیدن به حد اسراف و اتراف

در مورد نکته دوم، یعنی نرسیدن سطح مصرف به حد اسراف و اتراف، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که در مجالس دیگر بیان شده است.<sup>۷</sup>

### تعیین سطح مطلوب مصرف و نقش عرف

قرآن کریم تعیین هزینه‌های زندگی را با واژه «المعروف» بیان فرموده و سطح

متعارف را معیاری مؤثر برای مصرف صحیح قرار داده است: «وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكُونُوا بِأَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتًا وَالْبُيُوتَ كَمَا بَنَى اللَّهُ الْبَيْتَ وَبَنَى الْبَيْتَ لِيُذَكَّرَ بِهِ لِقَوْمٍ يُدْعَوْنَ إِلَيْهِ أَلِيًّا وَالْبُيُوتَ كَمَا بَنَى اللَّهُ الْبَيْتَ وَبَنَى الْبَيْتَ لِيُذَكَّرَ بِهِ لِقَوْمٍ يُدْعَوْنَ إِلَيْهِ أَلِيًّا»<sup>۸</sup> و «عاشروهنَّ بالمعروف»<sup>۹</sup>

مستندات حدیثی نیز، حاکم بودن عرف و عادت را در تعیین چند و چون کالاهای مصرفی ثابت می‌کنند؛ از جمله:

شخصی درباره علت تفاوت نوع لباس امام صادق با لباس علی بن ابی طالب علیه السلام، پرسید و به حضرت عرض کرد: شما فرمودید علی بن ابی طالب علیه السلام، لباس خشن و پیراهن چهار درهمی می‌پوشید، ولی می‌بینیم که بر تن شما، لباسی زیباست؟

فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام آن را در زمانی می‌پوشید که نامأنوس نبود ... پس بهترین لباس هر زمانی، لباس همان زمان است.<sup>۱۰</sup>

نیز فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمانی می‌زیست که وضع زندگی مردم، بسیار

۸. بقره (۲)/۲۳۳: «و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است».  
۹. نساء (۴)/۱۹: و با آنها به شایستگی رفتار کنید.  
بنگرید به: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.  
۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱.  
۲. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۴۴۳.  
۳. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.  
۴. بنگرید به: محمد بن علی بن بابویه صدوق، الخصال، ص ۱۸۳.  
۵. بنگرید به: محمد بن مکی، الذکری، ص ۱۴۹.  
۶. بنگرید به: الکافی، ج ۳، ص ۵۵۶ و ۵۶۱.  
۷. در این باره بنگرید به: جواد ایروانی، الگوی مصرف در آموزه‌های اسلامی، ص ۴۸-۹۱.

سخت و دشوار بود، و ایشان نیز طبق همان شرایط رفتار می نمود، ولی پس از او، دنیا بر مردم گشایش یافت، پس سزاوارترین افراد به [استفاده از] آن، نیکان می باشند.<sup>۱</sup>

### مسئله شأن و تحلیل درست آن

برخی چنین می پندارند که افراد برخوردار از مقام و موقعیت بالای اجتماعی می توانند با بهره مندی از امکانات بیشتر، به نوعی تجمل گرایی و زندگی اشرافی روی آورند، ولی به راستی آیا شأن به این مفهوم، از نگاه اسلام، پذیرفتنی است و آیا شأنیت، مصرف گرایی اشرافی را برای خواص روا می شمارد؟

از مجموع آموزه های دینی چنین برمی آید که رعایت شأن افراد در بهره مندی از امکانات به دو صورت تصوّرشدنی است؛ یکی از این دو پذیرفتنی و مستدل است و دیگری ناپذیرفتنی و بی دلیل. صورت نخست این گونه تبیین می شود:

در نظام اسلامی، ارزش ها، شایستگی ها و توانمندی های افراد، جایگاه اجتماعی و مسئولیت آنان را مشخص می سازد و این

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

جایگاه ها به تناسب خود، وظایف افراد را تعیین می کند. طبیعی است که هرکس در انجام وظایف خود، نیازمند امکاناتی است. بنابراین، «شأن» هر فرد که همان موقعیت و مسئولیت اوست، وظایفی را بر دوش می نهد که او، حق دارد متناسب با شأن خویش، از امکانات لازم استفاده کند. از سوی دیگر، گاه ممکن است استفاده از برخی کالاها برای افراد برخوردار از مقام و موقعیت اجتماعی، به دلیل شرایط خاص زمانی و مکانی، باعث نوعی سرشکستگی در جامعه و تحقیر و خواری آنان باشد. در این جا نیز برای حفظ عزّت و شخصیت فرد، چندوچون مصرف وی در حد نیاز، تغییر می یابد، چنان که حضرت رضاء علیه السلام می فرماید: «دوستانان بی بضاعت من، دوست دارند من روی نمود بنشینم و لباس خشن بپوشم، ولی زمانه ما، آن را بر نمی تابد.»<sup>۲</sup>

**صورت دوم** که تأثیر شأنیت افراد در نوع مصرف پذیرفتنی نیست، رعایت شأن های اعتباری است، بدین معنی که

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۹. نیز بنگرید به: الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ۴۶۱، ۴۸۰ و ج ۲، ص ۱۲۳، ج ۳، ص ۵۵۰ و ج ۶، ص ۴۶۱؛ محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)، المقنعه، ص ۲۶۰.

مهم‌تر از این‌ها، ساده‌زیستی رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ در زمان حکومت خود و حتی تصریح علیؑ به لزوم ساده‌زیستی حاکمان<sup>۵</sup>. فقیهان در بحث تأمین نیازهای همسر<sup>۶</sup>، مبحث زکات<sup>۷</sup> و خمس<sup>۸</sup> بدین موضوع پرداخته‌اند. و از مجموع سخنان بیش‌تر فقیهان، برمی‌آید آنان نیز شأنیتی را اراده کرده‌اند که برخاسته از «نیاز» بوده یا در حفظ عزت و شرافت فرد تأثیرگذار باشد.<sup>۹</sup>

شخص به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به فردی صاحب مقام، تلاش کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران قیمت و تجملاتی بداند و با مسئله «شأن»، آن را توجیه نماید، بی‌آن‌که در واقع، نیازی به آن داشته باشد. رعایت چنین شأنی، با توجه به آیات و روایات متعدد و سیره معصومان علیهم‌السلام، پذیرفته نیست. برای نمونه: آیات متعدّد دال بر لزوم همراهی پیامبران با مؤمنان محروم<sup>۱</sup>، ازدواج رسول خدا ﷺ و رهبر حکومت اسلامی با زینب، همسر مطلقه غلام آزادشده حضرت<sup>۲</sup>؛ داستان ازدواج جویبر جوان فاقد امکانات مادی و جاهت اجتماعی با ذلفا دختری با خانواده اصیل و ثروتمند، به دستور رسول خدا ﷺ<sup>۳</sup>، حصول استطاعت حج با در اختیار داشتن مرکبی بی‌ارزش<sup>۴</sup>.

۱. برای نمونه بنگرید: هود (۱۱)/ ۲۷ و ۲۹؛ کهف (۱۸)/ ۲۸؛ شعراء (۲۶)/ ۱۱۱-۱۱۴.
۲. بنگرید به: احزاب (۳۳)/ ۳۷ و ۳۸.
۳. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۳۳۹-۳۴۴ و ص ۳۴۴؛ محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰. نیز بنگرید به: احمد عابدینی، «امام خمینی، ساده‌زیستی و مسئله شأن»، مجله فقه، شماره ۲۱ و ۲۲، سال ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ ش، ص ۲۹۳ و ۳۲۹-۳۴۹.
۴. بنگرید به: الکافی، ج ۴، ص ۲۶۷. نیز نک: محمدبن مکی، الدروس، ج ۱، ص ۳۱۲؛ احمد

←

- 
- نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲؛ سید محمد عاملی، مدارک الاحکام؛ ج ۷، ص ۴۰. کشف اللثام، ج ۵، ص ۹۶.
  ۵. بنگرید به: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.
  ۶. بنگرید به: محمدبن حسن طوسی، المبسوط، ج ۶، ص ۴؛ ابن براج، المهدب، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۴۳؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۷، ص ۵۶۵؛ یوسف بحرانی، الحدائق الناضره، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۶.
  ۷. بنگرید به: جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۱۸. نیز نک: الحدائق الناضره، ج ۱۲، ص ۱۶۳.
  ۸. بنگرید به: زین الدین عاملی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۶۴؛ جعفر کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۶۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۵۹-۶۰.
  ۹. بنگرید به: جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۱۹. نیز بنگرید به: ص ۳۲۰؛ الحدائق الناضره، ج ۲۵، ص ۱۲۲.

## نیازهای معنوی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، فرد مسلمان در تخصیص در آمد و هزینه‌ها، سهمی را نیز به تأمین نیازهای معنوی و اخروی خود اختصاص می‌دهد. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «مرد باید با میانه‌روی و تا حد کفایت، هزینه نماید، و افزون مالش را برای آخرتش پیش فرستد.»<sup>۱</sup>

## نفی نیازهای کاذب

از مباحث اساسی اسلام در اصلاح الگوی مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیر واقعی است. بارزترین مصادیق نیازهای غیر واقعی عبارت‌اند از:

## الف) نیازهای برخاسته از خواسته‌های

### نفس

در صورتی که خواهش‌های نفس و شهوت به کنترل عقل و شرع درنیاید، آدمی را در دام نیازهای غیر واقعی، هوس‌ها و امیال افراطی گرفتار می‌سازد: ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾<sup>۲</sup>.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

۲. یوسف (۱۲): ۵۳: «نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که پروردگارم رحم کند»؛ نیز بنگرید به: اعراف (۷): ۱۷۶؛ فرقان (۲۵): ۴۳؛

## ب) نیازهای برخاسته از تبلیغات

تبلیغات بازرگانی با هدف معرفی کالا، ضرورتی است که در آموزه‌های اقتصادی اسلام بدان توجه شده است،<sup>۳</sup> لیک امروزه تبلیغات تجاری، از فلسفه وجودی خود فاصله گرفته و کارکرد اصلی آن، به جای معرفی کالا، به «ایجاد احساس نیاز» تبدیل گشته و «تجارت تبلیغات» جای «تبلیغات تجاری» را گرفته است.<sup>۴</sup> بی‌گمان پیامد این‌گونه تبلیغات برای افراد و جوامع ثروتمند، رشد مصرف‌گرایی، اسراف، مدگرایی و هم‌چشمی است و برای افراد و جوامع فقیر، حسرت و سرخوردگی و ناکامی و یا مفاسد اقتصادی و کارهای غیر قانونی همچون سرقت. بدین سبب در آموزه‌های دینی برای مقابله با تبلیغات دروغین، دستوراتی داده شده است؛ از جمله: تأکید بر راستگویی<sup>۵</sup>، اشاره به کاستی‌ها و عیوب کالا،<sup>۱</sup>

→ جاثیه (۴۵): ۲۳؛ محمد (۴۷): ۱۴؛ نازعات (۷۹): ۴۰-۴۱.

۳. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۳۱۲.

۴. بنگرید به: لستر براون و همکاران، علائم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، ص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ ابراهیم شهبازی و محمدحسین شمسایی، «سرمایه‌داری علت عقب‌ماندگی»، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۳، ص ۹۸.

۵. بنگرید به: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

←

نهی از تبانی برای تبلیغات فریبنده<sup>۲</sup>، و نفی جلوه‌های کاذب تبلیغاتی<sup>۳</sup>.

**ج) نیازهای برخاسته از شأن‌های اعتباری**  
پیشتر گفته ایم که شأن‌های اعتباری نباید در تعیین الگوی مصرف نقشی داشته باشد.

## ۲. توجه به اولویت‌ها

نیک روشن است که نیازها و خواسته‌های آدمی، گوناگون و پرشمار است و کالاهای مصرفی، به حدی فراوان‌اند که عموم افراد، توانایی تهیه همه آن‌ها را ندارند؛ از این‌رو، رعایت اولویت‌ها در تخصیص درآمد و مصرف، امری اجتناب‌ناپذیر است. تعیین اولویت‌های تخصیص درآمد، از دو جنبه ارزیابی می‌شود:

**نخست**، از نظر نوع و مقدار کالاهای مصرفی و خدمات. روشن است تا زمانی که نیازهای اساسی فرد و جامعه به شایستگی برآورده نشود، نوبت به مصارف رفاهی و

کالاهای تشریفاتی نمی‌رسد. ضمن آن که در توجه به اولویت‌ها، نیازهای معنوی و عبادی نیز بایستی مدنظر قرار گیرد.<sup>۴</sup>

**دوم**، تعیین اولویت‌ها بر اساس افراد و گروه‌های مصرف‌کننده که تأمین نیازمندی‌های شخصی انسان در اولویت است، و پس از آن، رفع نیازهای پدر و مادر، فرزند، همسر و آن‌گاه خویشاوندان نیازمند و سپس سایر نیازمندان.<sup>۵</sup> همچنین تصریح شده که نباید به نفع برادر دینی اقدام به کاری نمود که زیان آن برای شخص، بیش از سود آن برای برادر مؤمنش است.<sup>۶</sup>

## ۳. اصل تقدیر معیشت

از اصول مهم اسلامی در مصرف، تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی است که با عنوان «تقدیر معیشت» مطرح می‌گردد و در روایات، از آن به عنوان «نیمی از ابزار تأمین

۴. بنگرید به: نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۵. بنگرید به: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۱. نیز: سلیمان بن اشعث

سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۴۰.

۶. بنگرید به: الکافی، ج ۴، ص ۳۲.

→

۱. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰. نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۷.

۲. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

۳. بنگرید به: همان، ج ۵، ص ۱۶۰.



زندگی»<sup>۱</sup> و نشانه کمال<sup>۲</sup> شخص یاد شده است. تقدیر معیشت، دست کم بر سه پایه استوار است:

**الف) توجه به نیازمندی‌های جسمی و روحی و اولویت‌بندی آن؛** که در بحث پیشین، اشاره شد.

**ب) تناسب درآمد با هزینه‌ها؛** قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا...﴾<sup>۳-۴</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «به راستی مؤمن، ادبی نیک از خداوند متعال آموخته است: هرگاه خدا [روزی را] بر او گشایش دهد، او [بر زندگی] خود گشایش دهد، و زمانی که خداوند بر او تنگ گیرد، او نیز

[بر خود] سخت گیرد.»<sup>۵</sup> بر این اساس، مصرف مقدار مشخصی از یک کالا، ممکن است برای فردی اسراف به شمار آید و برای دیگری، خیر. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: چه بسا فقیری که اسرافکارتر از ثروتمند باشد.

[راوی گوید: گفتیم: چگونه فقیر، اسرافکارتر از غنی است؟ فرمود: زیرا توانگر از آنچه دارد خرج می‌کند، ولی فقیر بدون دارا بودن مال، هزینه می‌نماید.]<sup>۶</sup>

**ج) شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم؛** شرایط نامناسب اقتصادی جامعه، بایستی بر نوع و مقدار کالاهای مصرفی فرد تأثیرگذار باشد، آن سان که پیشتر اشارت رفت.

### پس‌انداز

از جمله مصادیق تدبیر زندگی و تقدیر معیشت، لزوم پس‌انداز و آینده‌نگری است. بدین جهت، در سیره برخی امامان معصوم و اصحاب پیامبر آمده است که در آغاز سال، مواد غذایی را به مقدار نیاز خود و

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول،

ترجمه کمره‌ای، ص ۱۰۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۳. طلاق (۶۵)/۷: «بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هرکه روزی او تنگ باشد، باید از آنچه خدا به او داده است، خرج کند. خدا هیچ‌کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند.» نیز بنگرید به: طلاق (۶۵)/۶؛ بقره (۲)/۲۳۶.

۴. انفاق در آیه یادشده به قرینه سیاق و روایاتی که در متن آمده، به معنای هزینه کردن برای زندگی است.

۵. بنگرید به: الکافی، ج ۴، ص ۱۲.

۶. همان، ج ۳، ص ۵۶۲.

خانواده‌شان ذخیره می‌نمودند.<sup>۱</sup>

#### ۴. اصل میانه‌روی

از معیارهای مصرف، اصل اعتدال است. قرآن کریم فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾<sup>۲</sup>. مراد از انفاق در این آیه، به دلیل اطلاق و نیز روایت ذیل، هزینه کردن برای زندگی است: شخصی از حضرت رضا علیه السلام درباره چگونگی تأمین نیازهای خانواده پرسید. امام علیه السلام فرمود: «بین دو کار ناپسند قرار دارد... آیا نمی‌دانی که خداوند زیاده‌روی و سختگیری را ناپسند دانست و فرمود: و الذین إذا أنفقوا...»<sup>۳</sup>

نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «... و به آنان اجازه داد تا با میانه‌روی بخورند و بیاشامند، و در حدّ میانه بپوشند، مرکبی در حدّ متوسط داشته باشند و با رعایت میانه‌روی، ازدواج نمایند...»<sup>۴</sup>

#### معیارهای اعتدال

یک. «نیاز» آدمی به امکانات مادی و کالاهای مصرفی، به گونه‌ای که هرگاه مصرف کالایی از نظر چندوچون، برای برطرف کردن نیازی از نیازمندی‌های آدمی کافی نباشد، مصداقی از تفریط است و در صورتی که فراتر از حد نیاز باشد، افراط و تجاوز از حدّ میانه خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... اسراف در جایی است که مال را تباه سازد و به بدن زیان رساند.»

[راوی گوید: گفتیم: سختگیری چیست؟

فرمود: «خوردن نان و نمک، در حالی که توان مصرف غیر آن را داری.»

گفتم: میانه‌روی چیست؟

فرمود: «[خوردن گهگاهی] نان و گوشت و شیر و سرکه و روغن.»<sup>۵</sup>

میانه‌روی، هم در کمیت کالاهای مصرفی بایستی رعایت گردد، و هم در کیفیت آن‌ها. به همین سبب؛ در آیات<sup>۶</sup> و روایات فراوان<sup>۷</sup>، بر گونه‌گونی نعمت‌های

۱. بنگرید به: همان، ص ۶۸ و ۸۹. نیز در این باره بنگرید به: یوسف (۱۲)/۴۷ و ۴۸.

۲. فرقان (۲۵)/آیه ۶۷: «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.»

۳. بنگرید به: الخصال، ص ۵۴ و ۵۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۶۶.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

۶. برای نمونه بنگرید به: انعام (۶)/۹۹ و ۱۴۱؛ نحل (۱۶)/۱۱، ۶۶، ۶۹.

۷. برای نمونه بنگرید به: الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷-۳۷۳.

الهی و بیان ویژگی‌های هر یک تصریح شده است.

## دو. شرایط زمان. این معیار از دو جهت

بر تعیین حدّ میانه تأثیر دارد:

جهت نخست شرایط اقتصادی جامعه و وضعیت معیشت مردم است. در جامعه ثروتمند و برخوردار، میانگین مصرف عمومی، بالاتر از جامعه فقیر و محروم خواهد بود.<sup>۱</sup>

جهت دوم، توجه به آداب و رسوم مشروع جامعه است. هر جامعه‌ای آداب و رسومی در چند و چون مصرف دارد که مخالفت با آن، موجب ایجاد نوعی نفرت، یا ذلت و خواری در دید عموم می‌گردد. هرگاه این آداب و رسوم مخالفی با شرع نداشته باشد، رعایت آن لازم خواهد بود. از همین روست که پوشیدن لباس شهرت، ممنوع است.<sup>۲</sup> نیز امام صادق علیه السلام در بیان تفاوت سیره خود با سیره علی علیه السلام در پوشیدن لباس می‌فرماید: «همانا علی بن ابی طالب علیه السلام آن گونه لباس [خشن] را در زمانی می‌پوشید که بر او خرده نمی‌گرفتند،

۱. بنگرید به: الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲. نیز نهج البلاغه، نامه ۴۵.  
۲. بنگرید به: الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴.

ولی پوشیدن آن در زمان ما موجب شهرت خواهد بود؛ پس بهترین لباس هر زمانی، لباس مردم همان زمان است.<sup>۳</sup>

از نظر گستره، در همه کالاهای مصرفی و امکانات مادی، بر رعایت میانه‌روی تأکید شده است. از جمله: میانه روی در خوراک<sup>۴</sup>، میانه‌روی در وسایل زندگی<sup>۵</sup>، میانه‌روی در ساخت مسکن<sup>۶</sup> و زیباسازی آن<sup>۷</sup> میانه‌روی در خرید مرکب<sup>۸</sup>، میانه‌روی در هزینه‌های ازدواج شامل جشن ازدواج<sup>۹</sup> و مهریه<sup>۱۰</sup>.

## ۵. نفی تفریط

بر اساس اصل میانه‌روی در مصرف، کمتر مصرف نمودن از حدّ مطلوب نیز نارواست. در این باره، افزون بر ادله پیش گفته، آیات و روایات دیگری نیز وجود

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۴. بنگرید به: اعراف (۷/۳۱)؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹.

۵. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۴۷۹.

۶. بنگرید به: شعراء (۲۶/۱۲۸ و ۱۲۹)؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ و ۵۳۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۷. بنگرید به: محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۱.

۸. بنگرید به: الکافی، ج ۶، ص ۵۳۶، ۵۴۱ و ۵۷۳.

۹. بنگرید به: همان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۱۰. بنگرید به: همان، ج ۵، ص ۳۲۴، ۳۷۷ و ۳۷۸.

دارد؛ از جمله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup>. در شأن نزول آیه آمده است: «... ده نفر از صحابه تصمیم گرفتند روزها روزه بدارند و شبها به عبادت برخیزند؛ هرگز در رختخواب نیاسایند و گوشت و چربی نخورند؛ نزد زنان نروند و بوی خوش استعمال نمایند و لباس موین بر تن کرده، دنیا را به کلی ترک گویند... وقتی پیامبر ﷺ با خبر شد، به آنان فرمود: «من هرگز به چنین کاری امر نکردم... همانا جسم و جان شما را بر شما حقی است، ... چرا که من، هم عبادت می‌کنم و هم می‌خوابم، هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌نمایم، گوشت و چربی مصرف می‌کنم و نزد زن‌ها می‌روم؛ هرکس از سنت من روی گرداند از من نیست...»<sup>۲</sup>.

#### ۶. اکتفا به حداقل‌ها در زمان ناداری

الگوی مصرف در زمان ناداری، اکتفا به حداقل‌ها، پرهیز از مصارف زائد و اولویت

بندی دقیق میان نیازهاست: ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفْسِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾<sup>۳</sup>. نیز رعایت اخلاق فقر، از جمله اظهار بی‌نیازی<sup>۴</sup>، و شکیبایی در برابر تهیه کالاهایی که توانایی خرید آنها را ندارد<sup>۵</sup>.

#### ۷. اصل الگو ناپذیری از بیگانگان

از اصول تأکید شده مصرف در آموزه‌های دینی، پرهیز از الگو قرار دادن بیگانگان و به ویژه دشمنان جامعه اسلامی در مصرف است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت، به سان آنان، دشمن من خواهند بود.»<sup>۶</sup>

نیز امام صادق علیه السلام درباره برطله‌ای [نوعی کلاه دراز که یهودیان بر سر می‌گذاشتند] فرمود: «آن را در اطراف کعبه نپوش، چرا که از پوشش یهودیان است.»<sup>۷</sup> الگوپذیری از بیگانگان از یک‌سو

۱. مائده (۵)/ ۸۷ و ۸۸.

۲. بنگرید به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۶؛ نیز نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰؛ محمد ابن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۴۵ و ج ۶، ص ۱۵۲.

۳. طلاق (۶۵)/ ۷.

۴. بنگرید به: بقره (۲)/ ۲۷۳، تحف العقول، ص ۴۰.

۵. بنگرید به: حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۱۱۹.

۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۲.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۱۱.

موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات داخلی می‌شود و از سوی دیگر نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانگی و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «شکل‌ها [و مُدهای مصرفی] به یکدیگر همانند نمی‌گردد، جز آن‌که خُلق و خواها به هم نزدیک شود؛ و هرکس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می‌رود.»<sup>۱</sup>

#### معیار بیگانگی بودن کالاهای مصرفی

هر چند برخی، نهی از همانندی به بیگانگان را بیش‌تر ناظر به کالاهای مصارف حرامی دانسته‌اند که در جوامع کفر وجود دارد؛ همچون شراب،<sup>۲</sup> لیک این برداشت ناستوار می‌نماید؛ چه، برخی مثال‌ها در روایات پیش‌گفته، خلاف آن را ثابت می‌کند. از سوی دیگر، مراد از این روایات، تمامی آنچه بیگانگان تولید و

۱. ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی همدانی، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، ج ۵، ص ۱۶۲ و ۱۶۸.  
۲. بنگرید به: محمدبن علی بن بابویه صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶؛ با تلخیص.

مصرف می‌کنند نیز نیست؛ چه، از یک‌سو هیچ قرینه‌ای بر این تعمیم وجود ندارد و از سوی دیگر، کالاهای فراوانی وجود دارد که در همه جوامع، مورد استفاده قرار می‌گیرد و صرف رواج یک کالا در کشوری بیگانه، نمی‌تواند معیار رد آن به شمار رود. بنابراین، مقصود، خصوص کالاهای و مصارفی است که ویژه بیگانگان بوده، به نوعی، علامت و نشانه آنان به شمار می‌رود، به ویژه آن‌جا که چندوچون مصرف و نوع کالایی، با سنت‌های اسلامی منافات داشته باشد. شاهد این سخن آن است که در روایات پیش‌گفته، بر واژه‌های «تشبه» و «زی» تأکید شده بود و آن‌گاه، شبیه کردن در زی و شکل، منشأ شباهت در خلق و خو و سبک زندگی معرفی گردید.

#### ۸. اصل الگو ناپذیری از مترفان و مسرفان

آدمی در ابعاد گوناگون زندگی، سخت تأثیرپذیر است. بدین سبب، آموزه‌های دینی به دوری از متکاثران و به ویژه چشم‌نداشتن به ثروت آنان دستور داده و از هرگونه تأثیرپذیری از رفاه‌زدگان پرهیز داده‌اند: ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام می فرماید: «پرهیز از این که به بالاتر از خود [در امور مادی] چشم بدوزی.»<sup>۲</sup>

این کار، افزون بر پیامد روحی- روانی، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی نیز دارد؛ از جمله: مسابقه مدگرایی، خرید وسایل اضافی، تجمل گرایی افراطی و اسراف.

بر همین اساس، خانواده‌ها باید تلاش نمایند ارتباط با چنین افرادی را به حداقل رسانند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «با ثروتمندان همنشینی مکن، چراکه بنده، در حالی که خود را مشمول نعمت الهی می داند، با آنان همنشینی می کند، ولی پس از برخاستن از مجلس چنین می پندارد که خداوند به او نعمتی نداده است!»<sup>۳</sup>

## ۹. نگاه به فرودست در زندگی

آموزه‌های دینی از آدمی خواسته‌اند در

امور مادی به پایین دست خود نگاه کند، تا پیوسته از سطح زندگی خود، خشنود بوده، از آن لذت ببرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «به کسی که توانایی [اقتصادی] کمتری نسبت به تو دارد بنگر و به توانگرت‌تر از خویش منگر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده قانع تر می سازد.»<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، در آیات<sup>۵</sup> و روایات<sup>۶</sup>، به همنشینی با محرومان جامعه تشویق شده است.

### ۱۰. همنشینی و معاشرت با هم سطح خود

در آموزه‌های دینی تأکید شده که حتی در ارتباطات کوتاه مدت همچون مسافرت نیز، هر شخص با افراد هم سطح خود همراه گردد. یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام شهاب می گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: شما از وضعیت و توانگری من و گشاده‌دستی‌ام نسبت به برادرانم آگاهی دارید. من گاه با گروهی از آنان در مسیر مکه همسفر می شوم و بر آنان گشاده‌دستی می کنم.

حضرت فرمود: «این کار را مکن ای

۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴.

۵. از جمله: کهف (۱۸)/۲۸.

۶. بنگرید به: محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر

العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۱. حجر (۱۵)/۸۸: «و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور». نیز: طه (۲۰)/۱۳۱؛ قصص (۲۸)/۷۹-۸۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ نیز متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۲۷.

۳. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۵۳.

شهاب؛ [چه]، اگر تو گشاده‌دستی کنی و آنان [نیز] گشاده‌دستی کنند، به آنان جفا نموده‌ای، و اگر آنها [از صرف هزینه‌هایی چون تو] خودداری ورزند، خوارشان ساخته‌ای. بنابراین، با همسانان خود مصاحبت نما.<sup>۱</sup>

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: مردی با گروهی ثروتمند بیرون می‌رود، در حالی که از همه آنان کم بضاعت‌تر است. پس آنان هزینه‌هایی می‌کنند و او توان آن را ندارد که چنین هزینه‌هایی نماید. امام علیه السلام فرمود: «دوست ندارم خود را خوار نماید. [بنابراین] با افرادی همانند خود بیرون رود.»<sup>۲</sup>

این نکته نیز یادکردنی است که مطلوبیت نمایان ساختن نعمت<sup>۳</sup> مقید به صورتی است که به تحقیر دیگران یا وارد آوردن فشار بر آنان نینجامد.

## ۱۱. ممنوعیت مصرف به هدف خودنمایی و فخر فروشی

در فرهنگ مصرف‌گرایی مترفان،

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۷.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. بنگرید به: ضحی (۹۳/۱۱)؛ الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

مصرف، هم ارزش مادی دارد و هم ارزش نمادین؛ بدین معنی که مصرف، وسیله‌ای می‌گردد برای ابراز وجود و به دست آوردن هویت اجتماعی،<sup>۴</sup> لیک براساس آموزه‌های دینی، مصرف بایستی تنها به منظور رفع نیازها باشد و نه به هدف خودنمایی و فخر فروشی. قرآن از قارون به عنوان نماد ثروتمند مغرور و فخرفروش، نکوهش فرموده است.<sup>۵</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «هرکس جامه‌ای بپوشد و با آن فخر فروشی کند، خداوند او را از لبه دوزخ [به قعر آن] فرو خواهد برد.»<sup>۶</sup>

همچنین درباره فخر فروشی در ساخت و ساز،<sup>۷</sup> و اطعام<sup>۸</sup> نیز سخنان مشابهی را بیان فرموده‌اند.

## ۱۲. حفظ صلابت و عزت در برابر دشمنان

چند و چون مصرف نباید به تحقیر و مخدوش شدن عزت مؤمن بینجامد. امام

۴. در این باره بنگرید به: احمد گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۱۰۶.

۵. قصص (۲۸/۷۶) و ۷۹؛ نیز: زخرف (۴۳/۵۱-۵۴)؛ حدید (۵۷/۲۰).

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.

۷. همان، ص ۱۲ و ۱۱.

۸. بنگرید به: محمد بن علی بن بابویه صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۸۶.

کاظم علیه السلام فرمود: «شما گروهی هستید که دشمنانی فراوان دارید. ای گروه شیعیان! مردم با شما دشمنی نمودند. بنابراین، تا آن جا که در توان دارید، در برابر آنان خود را بیاراید.»<sup>۱</sup>

### ۱۳. اصل ساده‌زیستی

از اصول و ارزش‌های حاکم بر مصرف، اصل ساده‌زیستی است. آموزه‌های دینی مرتبط با آن، در چند دسته جای می‌گیرند؛ از جمله: آموزه‌های دال بر مطلوبیت زهد<sup>۲</sup> در بعد روحی (دل‌ن بستن و شیفته نبودن به مظاهر مادی)<sup>۳</sup> و عملی (برداشت کم برای بازدهی زیاد)<sup>۴</sup>، مطلوبیت قناعت<sup>۵</sup>، کم‌خرج بودن و سبکباری<sup>۶</sup>، و نیز سیره عملی اولیای خدا<sup>۷</sup>، لیک حد و مرز ساده‌زیستی چیست

تا به رهبانیت و ترک دنیا منتهی نینجامد؟ به اختصار می‌توان گفت: حدود ساده‌زیستی عبارت‌اند از:

۱- ساده‌زیستی، زهد و قناعت، نباید حلالی را حرام کند یا خلاف سنت باشد.<sup>۸</sup>  
۲- افراط در ساده‌زیستی و رهبانیت ممنوع است.<sup>۹</sup>

۳- ساده‌زیستی نباید عزت و آبروی فرد را در اجتماع خدشه‌دار سازد، چنان‌که در بحث شأن یاد کردیم.

۴- ساده‌زیستی، تنها برای خود فرد مطلوبیت دارد، نه برای میهمانان او.<sup>۱۰</sup>

۵- در پاره‌ای از مراتب ساده‌زیستی، ظرفیت روحی و ایمانی افراد نیز تعیین کننده است. بنابراین، فردی که از تمکن مالی برخوردار است، نمی‌تواند خانواده خود را بر ساده‌زیستی و زندگی پایین‌تر از حد متعارف مردم، مجبور سازد.<sup>۱۱</sup>

با توجه به آنچه یاد شد، ساده‌زیستی از نگاه روان‌شناختی، خشنودی و رضایتمندی

۱. همان، ج ۶، ص ۴۸۰.

۲. آمدی، غرر الحکم.

۳. حدید (۵۷)/۲۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱.

۴. بنگرید به: مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۴۷؛ محمدجمال خلیلیان اشکذری، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، ص ۱۹۳-۱۹۵.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۳؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۹.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۳؛ محمد بن همام اسکافی، التمحیص، ص ۷۴.

۷. احزاب (۳۳)/۲۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.

۸. اعراف (۷)/۳۲؛ الکافی، ج ۵، ص ۷۰ و ج ۸، ص ۱۶۹.

۹. حدید (۵۷)/۲۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۷ و ج ۵، ص ۶۵-۷۰.

۱۰. بنگرید به: هود (۱۱)/۶۹؛ الکافی، ج ۶، ص ۳۲۸.

۱۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۸.



نوع مصرف نمود می‌یابد،<sup>۷</sup> و گاه در قالب کمک مالی به محرومان نیازمند،<sup>۸</sup> و دیگر گاه به شکل بروز ندادن داشته‌ها و امکانات مالی در جمع آنان، تا از نظر روانی، آنان را زیر فشار قرار ندهد.<sup>۹</sup>

**۱۵. ایثار مطلوب و رعایت بیش‌ترین بازدهی**  
ایثار مالی، از زیباترین جلوه‌های انسانیت و ایمان است که قرآن آن را ستوده است.<sup>۱۰</sup> آنچه در این بحث نیازمند تأمل می‌باشد آن است که مرز ایثار چیست و آیا اصل میانه‌روی، با بحث «ایثار» و ارزش بودن آن تعارضی ندارد؟

در پاسخ این سؤال، وجوهی یاد شده که چندان استوار نیست.<sup>۱۱</sup> پاسخ بهتر آن است که دستور به اعتدال در جایی است که بخشش فراوان، سبب نابسامانی‌های فوق‌العاده‌ای در زندگی انسان یا خانواده‌اش گردد.<sup>۱۲</sup> از سوی دیگر، رعایت اعتدال، حکمی عام، و ایثار، حکمی خاص

را برای شخص به ارمغان می‌آورد<sup>۱</sup> و وارستگی حاصل از این گونه نگاه، عزت، رشدیافتگی شخصیت، اعتماد به نفس و عدم وابستگی فرد را حتی در امور جزئی زندگی نیز، در پی دارد.<sup>۲</sup> و در بُعدی رفتاری، ساده‌زیستی در موارد ذیل مصداق می‌یابد: مصرف کمتر در محدوده اعتدال، پرهیز از مصارف زائد، تشریفاتی و تجملاتی،<sup>۳</sup> نفی خرید و مصرف کالاهایی با زیر بار ذلت رفتن و خوار شدن،<sup>۴</sup> همدردی عملی با محرومان در شرایط خاصی<sup>۵</sup> و در جمع محرومان.<sup>۶</sup>

#### ۱۴. همدردی در تنگناهای اقتصادی

از دیگر اصول مصرف آن است که آدمی وضعیت عمومی اطرافیان و مردم جامعه را در نظر گیرد و در تنگناهای اقتصادی و شرایط دشوار، الگوی مصرفی خویش را تغییر دهد. همدردی با محرومان، گاه در قالب هم سطحی با آنان در مقدار و

۷. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۱۶۶.

۸. برای نمونه بنگرید به: همان، ج ۲، ص ۲۰۱.

۹. بنگرید به: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۳.

۱۰. حشر (۵۹/۹)؛ نیز: دهر (۷۶/۸)؛ الکافی،

ج ۴، ص ۱۸.

۱۱. بنگرید به: احمد اردبیلی، زیادة البیان، ص ۱۹۹؛

عبدالله بن قدامه، المعنی، ج ۲، ص ۶۰۷.

۱۲. بنگرید به: اسراء (۱۷/۲۹)؛ ناصر مکارم شیرازی

و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۸.

۱. برای روایت بنگرید به: نهج البلاغه، حکمت ۲۲۱؛

بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۳

۱. بنگرید به: نهج البلاغه، حکمت ۲۲۱.

۲. بنگرید به: الکافی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۹.

۴. نهج البلاغه، نامه ۳.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۱۶۶.

۶. بنگرید به: المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۷.

جغرافیایی، آب و هوا، داخل خانه و بیرون از آن (حریم خصوصی و عمومی) و زمان‌های ویژه همچون اعیاد.<sup>۷</sup>

#### ۱۸- پرهیز از مصارف ممنوع

بر اساس آموزه‌های دینی، مصارفی حرام<sup>۸</sup> نیز وجود دارد که هزینه نمودن برای آن‌ها نیز ممنوع است.<sup>۹</sup> افزون بر آنچه یاد شد، اصول دیگری در مواردی خاص همچون: مصرف ویژه حاکمان و نیز استفاده از بیت المال وجود دارد که نیازمند مجالی دیگر است.

#### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه یاد شد، الگوی مصرف عموم افراد در شرایط عادی، بر اصولی چند استوار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصل نیاز، توجه به اولویت‌ها، اصل تقدیر معیشت و ارکان آن به ویژه: اولویت‌بندی

۵. بنگرید به: همان، ص ۴۵۱؛ زین الدین عاملی، *مسالك الافهام*، ج ۸، ص ۴۶۱؛ یوسف بحرانی، *الحدائق الناضرة*، ج ۲۵، ص ۱۲۳.

۶. بنگرید به: *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۱۷۸.

۷. *الکافی*، ج ۵، ص ۵۱۲.

۸. برای نمونه بنگرید به: مائده (۵)/۹۰ و ۹۱؛ حسن ابن علی بن شعبه حرانی، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، با ترجمه کمره‌ای، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۹. بنگرید به: علی بن محمد واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۱۴۳.

می باشد که مربوط به موارد معینی است.<sup>۱</sup> از سوی سوم، توجه به سطح نیازها نیز کارگشاست: هرگاه نیاز شخص، بیش از دیگران و درآمد محدود وی تنها پاسخگوی نیازهای اساسی خودش باشد، مصارف شخصی بر هزینه کردن برای دیگران اولویت دارد،<sup>۲</sup> لیک از آن جا که بهره‌مندی از امکانات، یک «حق» است، هر فردی می‌تواند از حق خویش به سود دیگران بگذرد.

#### ۱۶. انفاق بخشی از مازاد درآمد

انفاق در راه خدا، از اصول و ارزش‌های اسلامی حاکم بر مصرف است. در قرآن کریم، بیش از ۱۹۰ آیه (حدود ۳٪ کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته است.<sup>۳</sup>

#### ۱۷- توجه به متغیرها

در کنار اصول فراگیر پیش گفته، متغیرهایی نیز وجود دارد که در تعیین مقدار و نوع مصرف تأثیر دارد؛ از جمله: سن و سال<sup>۴</sup>، فصول مختلف، مناطق

۱. بنگرید به: *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، حکمت ۴۲۹؛ مرتضی مطهری، *بیست گفتار*، ص ۱۳.

۲. *الکافی*، ج ۴، صص ۱۸ و ۳۲.

۳. برای نمونه بنگرید به: بقره (۲)/۳، انفال (۸)/۳ و ۴.

۴. *الکافی*، ج ۶، ص ۲۸۸.

نیازها و تناسب درآمد با هزینه‌ها، همچنان توجه به شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم، میانه‌روی در مصرف، الگو ناپذیری از بیگانگان و مترفان و مسرفان، نگاه به فرودست در زندگی، ممنوعیت مصرف به هدف خودنمایی و فخر فروشی، ساده‌زیستی و انفاق مازاد درآمد. تحلیل برخی از این اصول و تعیین مرزهای پاره‌ای از آن‌ها، در این نوشتار مطرح گردید.

#### منابع

\* قرآن کریم!

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ چهارم: قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، چاپ چهارم: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، چاپ دوم: قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۵. ثواب الاعمال، چاپ دوم: قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۷. من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۴ق.

۱. با ترجمه تلفیقی فولادوند و مکارم شیرازی.

۸. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن قدامه، عبد الله، المعنی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۱. اردبیلی، احمد، زیادة البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة المرتضویة، بی تا.
۱۲. ایروانی، جواد، الگوی مصرف در آموزه‌های اسلامی، چاپ دوم: مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ش.
۱۳. بحرانی، یوسف، الحداثیة الناصره، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۵. براون، لستر، و همکاران، علایم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق سید جلال الدین حسینی، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. حسینی، سیدرضا، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۹. حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاة، تهران، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۸ش.
۲۰. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،

۳۱. عبدالرضا علی، صادق، القرآن و الطب الحدیث، بیروت، دار المؤرخ العربی، ۱۴۱۱ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیه، بی تا.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳۴. گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ش.
۳۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ سوم: بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم: تهران، انتشارات الاستقلال، ۱۴۰۹ق.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ شانزدهم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.
۳۹. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ دوم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۴۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.
۲۱. درننگ، آلن، چقدر کافی است؟ ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ دوم: مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ش.
۲۲. دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۲۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام.
۲۵. شهید اول، محمد بن مکی، الدرر الشریعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۹. تهذیب الاحکام، چاپ چهارم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۰. عابدینی، احمد، «امام خمینی، ساده زیستی و مسئله شأن»، مجله فقه، شماره ۲۱ و ۲۲، سال ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ش.